

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

یاد دکتر علی شریعتی را گرامی می‌داریم

استحمار غیرمستقیم یعنی اغفال ذهنها از حق بزرگ و فوری و حیاتی به

وسیله پرداختن ذهنها به یک حق کوچک، غیرحیاتی و غیرفوری

(مجموعه آثار ۲۰ ص ۲۴۱)

بیست و نهم خرداد ماه هر سال یادآور خاطره شهادت یا درگذشت دکتر علی شریعتی، انسان والا و یکی از متفکرین برجسته جنبش نوگرائی اسلامی معاصر و از اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور (قبل از انقلاب) است که به دنبال پیشگامان برجسته‌ای چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری اندیشه اسلامی را تا ژرفنای تاریخ و آینده‌ای دوردست به جولان درآورد و نسل گمگشته و بی‌هدف را که دچار «خود فراموشی شده» و محو در فرهنگ بیگانه شده بود به هویت اسلامی و ایرانی خود آشنا ساخت و تلاشی جانکاه و پیگیر را برای نجات این نسل به خرج داد، تا جایی که در این باره تمام نیروی حیاتی خود را تا سرحد بر کف نهادن جان خود در طبق اخلاص گذاشت.

امروزه هر شخص منصفی اذعان می‌کند که دکتر شریعتی نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در تحول افکار و ارزشها داشته است ولی معلوم نیست که چرا و چگونه در جمهوری اسلامی ایران هر از گاهی زمزمه‌های شومی حتی از ناحیه مدعیان اسلام علیه او به پا می‌شود و تخم نفاق و تهمت و افترا پاشیده می‌گردد و بی‌هیچ مقدمه و دلیلی تلاش می‌شود که جو تردید و بدگمانی را نسبت به شخصیت و نیت بلند او ایجاد کنند به عبارت دیگر، به جای تجلیل دکتر شریعتی و بهره‌گیری از آثار و افکار او سعی در خدشه دار کردن نام او را دارند. اما خوشبختانه همه می‌دانند که دکتر شریعتی نه تنها دیدگاهها و نظرات انتقادی و اصلاحی خود را در سی و پنج جلد مجموعه آثارش برای ما به یادگار گذاشته است بلکه با مشی و روش ویژه خود الگوی ارزشمندی را برای حرکت و اندیشه نسل جوان بر جای نهاده است، بنابراین منصفانه آن خواهد بود که به جای جعل اسناد و مدارک علیه شخصی که اینک در

میان ما نیست و قهراً قدرت دفاع مستقیم از خود را ندارد، به تجزیه و تحلیل و نقد افکار و نظرات او پردازیم، از خرمن اندیشه و قلم او خوشه‌ای بچینیم، به اصلاح و ترمیم و تکمیل نظرات او و رفع ابهامات از اندیشه‌های او همت گماریم و اگر حرفی داریم به انتقادات تاریخی و نظرات اصلاحی او که امروز بیش از هر زمان دیگر بدانها نیاز داریم پاسخ دهیم.

دکتر علی شریعتی به کرات در سخنرانیها و آثار قلمی خود این گونه جوسازیها را که مردم را از مسائل اساسی و حیاتی خود باز می‌دارد و به موضوعات فرعی و انحرافی سرگرم می‌کند محکوم کرده، کسانی را که کوتاه نظرانه این گونه بحثهای فرعی را دامن می‌زنند، «عمله بی‌مزد و موجب استعمار» نامیده و زیر ضربات و حملات بی‌دریغ خود قرار داده است.

دکتر شریعتی پس از گذشت پانزده سال از وداع نابه هنگامش با این دنیای فانی و چهارده سال از انفجار انقلاب اسلامی با کوله باری عظیم از میان توفان حوادث و بوته تجربه عبرت‌انگیز انقلاب اسلامی سربلند و نیکام بیرون آمده است. در دوران قبل از پیروزی انقلاب، معدودی از افراد با همراهی دستگاه جهانی ساواک با توسل به تهمت و افترا و لعن و تکفیر در مجالس سخنرانی و محافل خصوصی کوشیدند که دامن او را آلوده سازند ولی جز رسوایی و بدنامی و مطرود شدن، حتی توسط پیروان خود، و واکنشهای منفی از سوی دانشجویان و حتی طلاب جوان حوزه‌های علمیه چیزی نصیبشان نگشت و طرفی نیستند، متأسفانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز عده‌ای سعی داشته‌اند که نام شریعتی را از دفتر انقلاب و تاریخ نهضت اسلامی و ملی بزدایند و با توطئه سکوت یادش را از خاطرها محو کنند ولی باز هم این امر رخ نداده و تیر آنان به سنگ خورده است. قشر روشنفکر و خدااندیش به رغم محدودیتها، ممنوعیتها و بی‌حرمتیها نسبت به دکتر شریعتی یک لحظه او را از یاد نبرده خاطرهایش را گرامی داشته و همچنان به افکار و آثار او اقبال کرده است، تا جائی که اندیشه و آثارش در کشورهای اسلامی و بسیاری از کشورهای دیگر جای باز کرده، بسیاری از تراوشهای فکریش به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده و دانشگاهها نام و یاد او را گرامی داشته‌اند.

متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب در ایران، حرکت تخریبی به قلمرو افکار و اندیشه‌ها و شخصیت‌های خادم ملت و مملکت نیز کشیده شد. کسانی که خود فاقد هرگونه کارنامه قابل عرضه در مبارزات

سیاسی، یا خدمات فرهنگی - اسلامی بوده و بعضاً سوابق مشکوکی دارند با گروههای انحرای چپ و ضد دین هم‌آواز شدند و تلاش کردند که گروهها و شخصیت‌هایی را که در تاریخ معاصر کشورمان مصدر خدمات بزرگی بوده و در برابر سلطه بیگانگان اعم از شرق و غرب قد برافراشته‌اند و یا آنانی را که در به ثمر رساندن انقلاب در سطوح سیاسی یا ابعاد فکری نقش موثر و اساسی داشته‌اند با جعل اکاذیب و ایراد تهمت و افترا و زدن برچسبهای ناروا لکه‌دار کرده و به زیر علامت سئوال برند و به عبارت دیگر به ترور شخصیت آنان پردازند. خصوصاً حمله به روشنفکران مذهبی که از پیشگامان جنبش اسلامی نیم قرن اخیر بوده‌اند و در تنگنا قرار دادن آنان یا توسل به شیوه افترا و حربه تکفیر سکه رایج شده است و اگر دکتر شریعتی به عنوان مظهر (سمبل) روشنفکر اسلامی آماج این گونه حملات قرار می‌گیرد جای تعجب نیست. اما کسانی که این برنامه‌های تخریبی و ویرانگری را طراحی یا اجرا می‌کنند باید بدانند که به کاری عبث و بیهوده مشغولند و مکر و توطئه آنان بی‌اثر است و تلاشهایی که به ناحق برای خدشه‌دار ساختن افکار و شخصیت شریعتی و سایر خدمتگزاران به ملت و مملکت صورت می‌گیرد حاصلی جز زیان و خسران و نتیجه معکوس نخواهد داشت زیرا آفتاب حقایق را با گلِ غرض و مرض نمی‌توان پوشاند. افکار عمومی ملت ایران به ویژه نسل جوان بیش از پیش بیدار و هوشیار و به عمق حقایق آگاه است.

آیا این کوتاه‌بینان مغرض باور ندارند که:

«مرد پاک را نیز زندگی و زمان تنها نمی‌گذارد، زندگیش از او دفاع می‌کند و زمان نیز ندایش می‌کند
پلیدان هرگز پاکدامنی را نتوانند آلود، هر چند سنگها را بسته و سگها را رها کرده باشند» (کویر ص ۲۸۲)
و آیا نخوانده‌اند که «و مکروا و مکرا الله و الله خیر الماکرین»؟

ما در آستانه سالگرد پر کشیدن دکتر شریعتی به سرای جاودان یاد این یار و همسنگر عزیز خویش را گرامی می‌داریم و به روان پاکش درود می‌فرستیم.

نهضت آزادی ایران

خرداد ماه ۱۳۷۱